

## بسمه تعالی

امام علی(ع) در نهج البلاغه چه ویژگی‌هایی برای «سالک الی الله» اعلام کرده و چه فرد و یا افرادی را مصداق آن می‌دانند؟

### پاسخ اجمالی

امام علی(ع) در خطبه ۲۲۰ با عباراتی کوتاه و گویا به معرفی افراد سالک و پویندگان راه خدا پرداخته و رمز موفقیت آنان را در زنده کردن عقل و مهار هوا و هوس‌های سرکش نفسانی برمی‌شمرد. سپس به سراغ آثار این حرکت عقلانی و ریاضت شرعی رفته و به ثمرات پرارزش آن در چند بخش می‌پردازد. درباره این‌که ویژگی‌های موجود در این خطبه، مربوط به شخص خاصی بوده و یا آن‌که - بدون اعلام مصدق - تنها اوصاف سالک الی الله بیان شده است؛ به نظر می‌رسد این سخن امام علی(ع) انحصار به شخص خاصی ندارد، بلکه حضرتشان در مقام بیان ویژگی هر سالک و عارف الی الله است. اما برخی ترجمه‌ها و شرح‌های نهج البلاغه، این کلام حضرت علی(ع) را در توصیف پیامبر اسلام(ص) دانسته‌اند که البته هیچ شکی در تطبیق آن به پیامبر اسلام(ص) به عنوان کامل‌ترین فرد در سلوک الی الله نیست.

### پاسخ تفصیلی

امام علی(ع) در ارتباط با ویژگی‌های سالکی که به سوی پروردگارش ره می‌پیماید، چنین می‌فرماید: «همانا عقل خود را زنده کرد، و نفسش را میراند، به طوری که جسمش باریک، و دلش نرم شد، و نوری در نهایت فروزندگی برایش درخشید، که راه را برای او روشن کرد، و به آن نور راه را پیمود، ابواب سلوک، او را به در سلامت و خانه اقامت راندند، و قدم‌هایش همراه آرامش تن در جایگاه امن و راحت استوار شد؛ چرا که قلبش را به کار گرفت و پروردگارش را خشنود ساخت»

### شرح اوصاف سالک الی الله

ابن میثم بحرانی در ابتدای شرح این کلام حضرت علی(ع) می‌گوید: «این سخن امام(ع) از والاترین سخنانی است که درباره

بیان اوصاف سالک الی الله و عارف حقیقی و چگونگی سیر و سلوک او در این طریق آمده است. امام(ع) در این خطبه با این تعبیر که سالک راه حق عقل خود را زنده کرده، به این مطلب اشاره فرموده‌اند که عارف با ریاضت‌های عارفانه و کوشش‌های سالکانه خود برای به دست آوردن کمالات عقلی؛ از قبیل دانش‌ها و معارف و ویژگی‌های اخلاقی موفقیت‌های شایانی کسب می‌کند، و با دارا بودن خصیصه زهد و انجام دادن عبادات خالصانه، عقل نظری و عقل عملی خویش را کامل و احیا می‌کند»

### الف. احیای عقل و میراندن نفس

امام(ع) در این گفتار پُرمعنا نخست به احیای عقل و میراندن شهوت می‌پردازد و می‌فرماید: «قَدْ أَحْيَا عَقْلَهُ وَ أَمَاتَ نَفْسَهُ حَتَّى دَقَّ جَلِيلُهُ وَ لَطَفَ غَلِيظُهُ»

احیای عقل اشاره به بهره گرفتن از استدلالات عقلی برای تکامل ایمان و حُسن و قُبْح عقلی برای تکامل فضایل اخلاقی است. به این ترتیب، واژه عقل در این خطبه هم عقل نظری را شامل می‌شود و هم عقل عملی را.

اما میراندن «نفس» به معنای از بین بردن غرایز نفسانی نیست، بلکه منظور مهار کردن آنها است به گونه‌ای که قدرت نداشته باشند انسان را در دام شیطان گرفتار کنند و از راه خدا باز دارند.

واژه «جلیل» در عبارت «دَقَّ جَلِيلُهُ» اشاره به بدن‌های چاق و فربه است که بر اثر پُرخوری و افراط در غذاهای چرب و شیرین به این صورت درآمده و با ترک شهوات وزن خود را کم می‌کند و سبک‌بار می‌شود.

واژه «غلیظ» در «لَطَفَ غَلِيظُهُ» اشاره به خلق و خوی خشن در ردای اخلاقی است که در پرتو ریاضت نفسانی به لطافت می‌گراید و تصفیه می‌شود.

### ب. آثار احیای عقل و میراندن نفس

سپس امام(ع) به سراغ آثار این حرکت عقلانی و ریاضت شرعی

می‌رود و ثمرات پرارزش آن را در چند بخش برمی‌شمارد:

۱. در این زمان برقی پُر نور برای او می‌درخشد، راه را برای او روشن می‌سازد و او را به مسیر حق و سلوک الی الله می‌برد. این همان نور معرفت و معنویت است که بر اثر ریاضات عقلانی و نفسانی برای انسان می‌درخشد و مسیر را برای او کاملاً روشن می‌سازد. همان‌گونه که قرآن مجید می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوای الهی پیشه کنید و به رسولش ایمان بیاورید، تا دو سهم از رحمتش به شما ببخشد و برای شما نوری قرار دهد که با آن راه را ببیماید. در حقیقت پویندگان راه خدا را به کسانی تشبیه کرده که در یک بیابان ظلمانی به راه افتاده‌اند؛ ولی عنایات ربّانی شامل حال آنها می‌شود، برقی از آسمان جستن می‌کند و مسیر را تا اعماق بیابان به آنها نشان می‌دهد.

بعضی از عارفان اسلامی برای انوار هدایت الهی که به دنبال ریاضات نفسانی حاصل می‌شود سه مرحله قائل شده‌اند، مرحله اول را «لوائح» می‌نامند؛ نوری در درون جان آنها می‌درخشد؛ ولی چندان دوام نمی‌یابد. مرحله دوم آن را «لوامع» می‌نامند که با آن سرعت زائل نمی‌شود، ولی سرانجام خاموش می‌گردد. و مرحله سوم آن را «طوالع» گفته‌اند که بقا و دوام قابل ملاحظه‌ای دارد و پویندگان راه خدا را از هرگونه انحراف حفظ می‌کند.

۲. او در این مسیر پیوسته از دری به در دیگر منتقل می‌شود تا به دروازه سلامت سرای جاودانی راه یابد. همان‌گونه که قرآن مجید می‌فرماید: «برای آنها خانه امن و امان نزد پروردگارشان است و او ولیّ و سرپرست آنها است به سبب اعمالی که انجام می‌دادند»

نیز از قول بهشتیان می‌فرماید: «پروردگار ما آمرزنده و سپاس‌گزار و بخشنده است؛ همان کسی که با فضل خود ما را در سرای جاویدان جای داد که نه در آن رنجی به ما می‌رسد و نه سستی و درماندگی»

۳. گام‌های او همراه با آرامش بدنش در جایگاه امن و راحت



## ویژگی های

## سالک الی الله ...

امام علی(ع) در نهج البلاغه چه  
ویژگی هایی برای «سالک الی الله»  
اعلام کرده و چه فرد و یا افرادی را  
مصدق آن می داند؟

جهت دسترسی به منابع مطلب به واحد فرهنگی مراجعه فرمایید



واحد فرهنگی  
بیمارستان خاتم الانبیا(ص)

در این حال است که عقل به طور کامل، زنده می گردد و زمام انسان را به دست می گیرد و از آن پس، زمینه ای برای انجام دادن کارهای ناشایست، در وجود انسان، باقی نمی ماند. در نتیجه، حکمت، با عصمت، همراه می گردد و در نهایت، همه ویژگی های حکیم و عالم حقیقی، برای آدمی حاصل می گردد و در بالاترین مراتب علم و حکمت، به والاترین درجات خودشناسی، خدانشناسی، امامت و رهبری دست می یابد.

### تطبیق این سخن بر پیامبر اسلام(ص)

اینک باید دید که آیا این اوصاف و ویژگی ها مربوط به شخص خاصی است، یا این که شخص خاصی مورد نظر نیست، بلکه در این سخن امام علی(ع) به طور کلی اوصاف و ویژگی های سالک الی الله بیان شده است؟

به نظر می رسد این سخن امام علی(ع) در توصیف شخص خاصی نیست، بلکه آن حضرت در مقام بیان ویژگی هر سالک و عارف الی الله است. اما در برخی از ترجمه ها و شرح های قدیمی و متأخر نهج البلاغه دیده می شود که این کلام حضرت علی(ع) را در توصیف پیامبر اسلام(ص) دانسته اند:

۱. در ترجمه فارسی نهج البلاغه مربوط به قرن ششم - که مترجم آن نامعلوم است - چنین آمده است: «و من کلام له علیه السلام فی صفة النبی صلی الله علیه و آله»
  ۲. مرحوم نواب لاهیجی در ابتدای شرح این سخن امام علی(ع) می نویسد: «و من کلامه(ع) فی وصف النبی(ص)»
- به هر حال؛ چه شخصیت خاصی در این خطبه مورد نظر باشد یا نه، بی گمان این اوصاف به پیامبر اسلام(ص) به عنوان کامل ترین فرد در سلوک الی الله تطبیق می کند.

ثابت می گردد. گویا این همان است که قرآن می فرماید: «تو ای نفس مطمئن! به سوی پروردگارت بازگرد، در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است. پس در سلک بندگان خاص من در آی، و در بهشتم وارد شو» انسان در مسیر قرب الی الله، هرزمان در معرض وسوسه های شیاطین جنّ و انس است و ترس از گمراهی وجود او را می لرزاند، تا به جایی برسد که ابرهای تیره و تار وسوس نفسانی و شیطانی از آسمان روح او کنار رود و برق معرفه الله تمام وجودش را روشن سازد و آرامش جاودانی به او دست دهد و مفتخر به خطاب «فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَ ادْخُلِي جَنَّتِي» شود. ۴. امام(ع) در پایان این سخن بار دیگر بر این حقیقت تأکید می کند که: اینها همه برای آن است که عقلش را در راه حق به کار گرفته و پروردگار خویش را راضی ساخته است. این همان است که در آیات بالا بدان اشاره شد که؛ «به سوی پروردگارت بازگرد که هم تو از او خشنود خواهی بود و هم او از تو خشنود است»

هدف از این سیر و سلوک الی الله که با خودسازی و تهذیب نفس و توبه و انابه و ریاضات مشروع شروع می شود، همان عبور از نفس اماره به سوی نفس لوامه و از آنجا به سوی نفس مطمئنه و رسیدن به مقام پرافتخار «راضیه مرضیه» است. عبوری که در نهایت به مکاشفاتی منتهی می شود و پرده ها از برابر چشم انسان برداشته می شود. همان گونه که پیامبر اکرم(ص) درباره جوان سعادت مندی که صبح گاهان در صف نماز جماعت با آن حضرت ملاقات کرد و آثار عبادت شبانه در او نمایان بود، فرمود: «این بنده ای است که خداوند قلبش را با ایمان روشن ساخت»

گفتنی است؛ این سخن حضرت علی(ع) اشاره به حکمت حقیقی است؛ حکمت حقیقی، جاذبه ای عقلانی بر ضد کشش های نفسانی است، که هر اندازه در جان انسان قوت یابد، به همان اندازه، تمایلات نفسانی در او ضعیف می شوند، تا آنجا که کاملاً از بین می روند.